*به نام خدایی که جان آفرید

کتاب نگارش، هشتم

گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

استان خراسان رضوی

درس نخست: **پس از تفکر و طراحی نقشهٔ ذهنی بنویسیم**

درس دوم: **افکار و گفتارمان را بنویسیم**

درس سوم: **ببینیم و بنویسیم**

درس چهارم: **گوش بدهیم و بنویسیم**

درس پنجم: **لمس کنیم، ببوییم، بچشیم و بنویسیم**

درس ششم: **با سنجش و مقایسه آسانتر بنویسیم**

درس هفتم: **با جانشین‌سازی راحت‌تر بنویسیم**

درس هشتم: **دگرگونه ببینیم، گونه‌گون بنویسیم**

نشانه‌های نگارشی



نشانه‌های نگارشی

، .

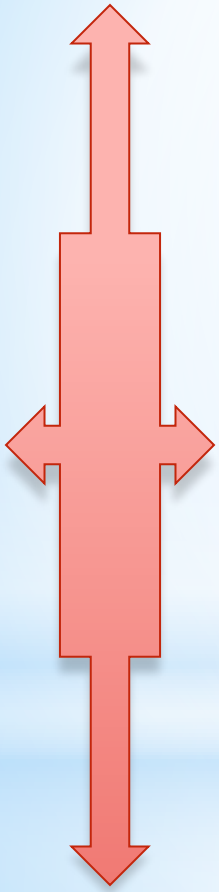
؟ !

: ؛

{} ()

- ...

۱ – نقطه (.)



وظیفه: درنگ کامل

موارد کاربرد:

- در پایان جمله‌های کامل خبری یا انشایی جمله‌های خبری حاوی سؤال نیز همین گونه‌اند.
- در مختصرنویسی اسامی و عناوین.

مثال: س.م.م = سازمان ملل متحد

- پس از شماره ردیف رقمی یا حرفی.

مثال: ۱.

۲- بند، ویرگول، کاما (،)

وظیفه: درنگ کوتاه

موارد کاربرد:

- پس از منادا

- بین همه واحدهای هم‌اِسناد (عطف سازه‌های هم‌پایه)

به پدرش همانند بود: سخن گفتنش، سکوتش، راه پیمودنش، نوری که از چشمانش فرا می تابید.

- برای جدا کردن اجزای تاریخ

- بین بخش‌های مختلفِ نشانی اشخاص و اماکن و میان اجزای پس از نام مأخذ در نشانی مآخذ:

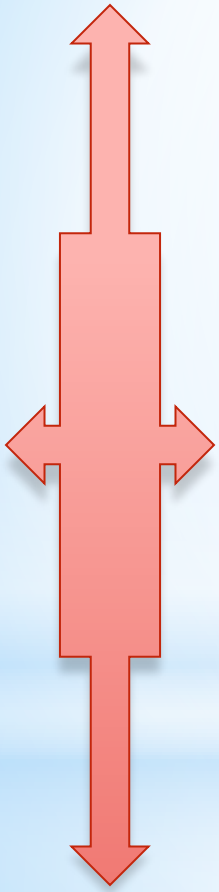
«بهاءالدّین خرّمشاهی: «حافظ نامه»، ج۱، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی،۱۳۶۶، ص ۵۲».

۳- نقطه بند یا نقطه ویرگول (؛)

وظیفه: درنگ متوسّط

موارد کاربرد:

- جدا کردن بخش‌های مستقلّ یک جملهٔ طولانی
- به‌جای نقطه، پیش از جمله‌ای که با واو عطف آغاز به قرینه حذف شده باشد.



۴- دو نقطه (:)

وظیفه: توضیح و تفسیر

موارد کاربرد:

- قبل از نقل قول مستقیم.
- برای جدا کردن اجزای ساعت
- پیش از مجموعه‌ای از شواهد و مثال‌ها و اجزا



۵- نشانهٔ پرسش، پرسش‌نما (؟)

موارد کاربرد:

- در پایان جمله‌های پرسشی
- برای نشان دادن تردید:

«سیّد جمال‌الدّین حسینی در اسدآبادِ همدان (افغانستان؟) زاده شد».

***

۶- نشانهٔ تعجّب (!)



وظیفه: نمایاندن عاطفه

موارد کاربرد:

- در پایان جمله‌های عاطفی برای نمایاندن عواطفی مانند دعا، نفرین، آرزو، تحسین، تعجّب، و تأسّف.
- پس از اصوات. هان! آوخ! آفرین! و ...

۷- پرانتز، دو کمان، کمانک ()

وظیفه: توضیح

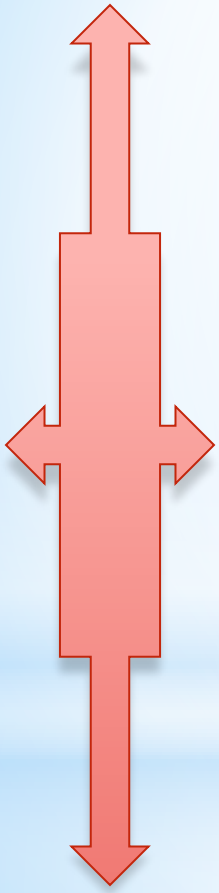
موارد کاربرد:

- بیان سال ولادت، وفات و حکومت:

مثال: خواجه نظام‌الملک (۴۸۵ ـ ۴۵۵)

- آوردن معادل یک کلمه یا اصطلاح در درون متن

- معرفی اختصاری مأخذ در متن (بهار ۱۳۷۵، ص ۵۰۳)



۸- قلاّب، دو قلاّب، کروشه {}

وظیفه: افزایش

موارد کاربرد:

- افزایش، تصحیح کلمه یا عبارتی به متن اصلی

مثال: «آیا آن‌کس که زشتی کردارش برای او آراسته شده است {و آن را زیبا می‌بیند} مانند مؤمن است؟»

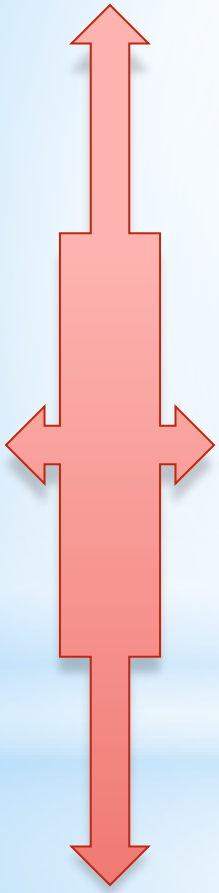
- ذکر دستورهای اجرایی در فیلمنامه یا نمایشنامه

۹- خط فاصله، نیم‌خط، پیوست نما، تیره (-)

وظیفه: پیوند

موارد کاربرد:

- قبل و بعد از جملهٔ معترضه.
- پیش از نقل قول مستقیم در مکالمه یا داستان
- جدا کردن ارقام از یکدیگر
- به‌جای «تا و به» در بیان فواصل زمانی و مکانی و مقداری



۱۰- سه نقطه (...)

وظیفه: تعلیق

موارد کاربرد:

- به‌جای یک یا چند کلمه حذف شده
- به جای بخش‌هایی از متن در خلاصه نویسی
- نشان دادن مکث در نمایشنامه، فیلنامه و داستان

بازگردانی

بازنویسی

بازآفرینی



بازگردانی

بازگردانی به معنی امروزی کردن متن (بیت یا عبارت) است.

مراحل بازگردانی متن عبارتند از:

۱. معنی کردن واژه‌های دشوار

۲. آوردن شکل امروزی واژه‌های کهن و قدیمی

۳. آوردن مفهوم کنایی عبارت

۴. سامان‌دهی (مرتب کردن اجزای جمله):

نهاد + مفعول + متمم + فعل/ نهاد + مسند + فعل اسنادی

نمودش بس که دور آن راهِ نزدیک شدش گیتی به پیش چشم تاریک

آن راه نزدیک آن‌قدر به نظرش دور رسید که جهان پیش چشمش تاریک شد.

بازنویسی

کجا/ کی/ چه کسی/ چرا/ چگونه/ چه چیزی/ چه اتفاقی

۱- نویسندهٔ بازنویس شایسته است آشنایی کامل با متن اصلی (ازلحاظ شکل و محتوای اثر) داشته تا بتواند در انتخاب متن کهن و بازنویسی آن موفق عمل کند. کار نویسندهٔ بازنویس، جذاب کردن متون و پیام‌های اثر کهن است. بنابراین می‌بایست محتوا و پیام اثر را به‌درستی درک کرده باشد تا بتواند با هوشمندی و شگردی خاص جانی تازه به کالبد خاک‌گرفته و مهجور آثار کهن بدمد. بی شک، تغییر زبان به تنهایی سبب جذابیت و جان بخشیدن به اثر نخواهد شد، بلکه سبب بی اعتباری اثر کهن نیز خواهد شد و گاه از ارزش اثر نیز می‌کاهد.

۲- بازنویس مجاز نیست هیچ‌گونه تغییر یا تحریفی در مضمون و محتوای اصلی متن وارد آورد. بلکه باید به بن‌مایه‌های اصلی متن توجه شود. سپس تمام چیزهایی را که برای نوشتن یک داستان باید بدان توجه شود، رعایت کند. بازنویس باید کل محتوای اثر اصلی را در خود حفظ کند و پیام آن را به تمامی منتقل نماید. (مفهوم و هدف متن اصلی در بازنویسی دیده شود).

۳- در بازنویسی می‌باید کل مضمون بازنویسی شود نه سطر به سطر.

۴- بازنویسی باید سبب برانگیختن کنجکاوی خواننده به شناخت متن اصلی شود. همچنین در بازنویسی، مسائل عاطفی، فرهنگی و زبانی و ذهنی مخاطبان مورد توجه قرار می‌گیرد.

۵- گفت‌وگوها، حوادث، شخصیت‌ها، زبان و لحن، توصیف‌ها از جملهٔ این عناصر هستند. توجه به این عناصر و شگردها می‌تواند ابتکاراتی باشد که انسان پرتحرک و کم‌حوصلهٔ امروزی را با فرهنگ گذشته‌اش ارتباط دهد.

۶-یک اثر خوب بازنویسی شده، بیانگر مهارت نویسنده‌ای هوشمند و زبردست است که با ابزار زبان و بیان مناسب بین میراث کهن و عصر جدید ارتباط برقرار کرده است.

۷- اصول نگارش زبان و ادب فارسی و اصول مهم ساده‌نویسی برای کودکان و نوجوانان رعایت شود.

۸- ضمن توجه به ظرافت‌های ادبی، متن متناسب با شرایط گروه سنی مخاطب باشد و سعی شود از استخوان‌بندی و سبک نوشتهٔ اصلی عدول نشود.

بازآفرینی

بازآفرینی، تغییرات کلی در اسکلت و پلان یک ساختمان است که چه بسا نقشه ساختمان و کیفیت چهارچوب اولیه هم به هم می‌خورد. بازآفرینی آن است که نویسنده تنها از یک اثر مهم الهام بگیرد و با به‌کارگیری ذوق ادبی و هنر خویش، تجربیات و برداشت‌های امروزی خود را با فرهنگ و ادب کهن ما در هم بیامیزد و اثری نو خلق کند. بسیاری از آثار ما محصول بازآفرینی ذهن شاعران و نویسندگان می‌باشد. در حقیقت، در بازآفرینی عمده‌ترین کار، تغییر دادن موضوع و محتوای اثر، در هم ریختن چارچوب و ایجاد چارچوبی جدید و تازه است، به‌گونه ای که با خواندن اثر جدید، تنها رگه‌هایی از اثر کهن در ذهن خواننده نقش می‌بندد.

درست نویسی



درست نویسی

بایدها و نبایدهای نگارشی

درس نخست

کاربرد تنوین «ـاً»

❊تنوین نشانهٔ ویژهٔ کلمات عربی است.

❊واژه‌های فارسی به نشانهٔ تنوین نیازی ندارند.

❊به‌کارگیری تنوین برای واژه‌های فارسی و غیر عربی روا نیست.

بنویسیم: او گاهی به سفر می‌رود و گاهی تلفنی حال دوستانش را می‌پرسد.

✖ **ننویسیم:** او گاهاً به سفر می‌رود و گاهاً تلفناً حال دوستانش را می‌پرسد.

درس دوم

«به‌کار نبردن نشانهٔ مؤنث برای واژه‌های فارسی»

زبان فارسی برای جنس مؤنث و مذکر، یکسان به‌کار می‌رود و نشانه‌ای ویژه برای واژه‌ها ندارد. یعنی یک صفت را برای هر کدام به‌کار می‌برد.

بنویسیم: در میان زنان شاعر، پروین اعتصامی از همه نام‌آورتر است.

✖ **ننویسیم:** در میان زنان شاعره، پروین اعتصامی از همه نام‌آورتر است.

درس سوم

جایگاه نشانهٔ مفعولی «را»

«را» در زبان معیار امروز، نشانهٔ مفعول است.

یادمان باشد آن را بلافاصله پس از مفعول به‌کار ببریم.

بنویسیم: کتابی را که هفتهٔ پیش خریده بودم، خواندم.

✖ **ننویسیم:** کتابی که هفتهٔ پیش خریده بودم را، خواندم.

درس چهارم

«حذف نشانهٔ مد»

هرگاه بخش دوم واژه‌های ترکیبی با نشانهٔ «آ» شروع شود، فاصله از میان دو بخش برداشته می‌شود، نشانهٔ مد حذف گردیده و واژه را پیوسته می‌نویسیم.

بنویسیم: اگر در هماوردی نابرابر زورگویی کنند، تسلیم نخواهیم شد.

✖ **ننویسیم:** اگر در هم‌آوردی نابرابر زورگویی کنند، تسلیم نخواهیم شد.

چند نمونهٔ دیگر: پیشاهنگ، همایش، دلارام، پیشامد، فرایند و ...

درس پنجم

جمع بستن واژه‌های فارسی با نشانه‌های «ها – ان»

«ات» نشانهٔ جمع عربی است و با واژه‌های فارسی به‌کار نمی‌رود. برای جمع بستن واژه‌های فارسی بهتر است از «ها - ان» کمک بگیریم.

بنویسیم: در شیراز باغ‌های زیبای درخت نارنج به چشم می‌خورد.

✖ **ننویسیم:** در شیراز باغات زیبای درخت نارنج به چشم می‌خورد.

*گزارش، آزمایش، پیشنهاد، دستور و فرمایش با «ات» به‌کار نبریم.

درس ششم

کاربرد «گ» میانجی

واژه‌هایی که به «ه» بیان حرکت ختم می‌شوند، هنگامی که بخواهیم نشانهٔ جمع «ان» یا «ی» را به پایان آن‌ها بیفزاییم، نشانهٔ «ه» حذف شده و به جای آن «گ» می‌آوریم.

بنویسیم: همهٔ نویسندگان، خواندن آثار بزرگان را گامی برای رشد می‌دانند.

✖ **ننویسیم:** همهٔ نویسنده‌گان خواندن آثار بزرگان را گامی برای رشد می‌دانند.

درس هفتم

جمع نبستن دوبارهٔ واژه‌های جمع

واژه‌هایی را که جمع هستند، نباید دوباره آن‌ها را جمع ببندیم.

بنویسیم: احمد تمام امور تحصیلی را خودش انجام می‌دهد.

✖ **ننویسیم:** احمد تمام امورات تحصیلی را خودش انجام می‌دهد.

بنویسیم: علی در مراسم مذهبی خوب سخنرانی می‌کند.

✖ **ننویسیم:** علی در مراسمات مذهبی خوب سخنرانی می‌کند.

درس هشتم

کاربرد واج میانجی «ی»

در زبان نوشتار امروز، هرگاه حرف‌های «بـ ، مـ ، نـ» بر سر فعل‌هایی قرار بگیرد که با نشانهٔ همزه (اَ - اُ) آغاز شده باشد، هنگام نوشتار «یـ» جانشین همزه (ا) می‌شود.

بنویسیم: آرش تیری بیفکند و پرچم پیروزی ایران را برفراز کوه بیفراشت.

✖ **ننویسیم:** آرش تیری بیافکند و پرچم پیروزی ایران را برفراز کوه بیافراشت.

حکایت زیر از «بهارستان جامی» برگزیده شده است.

نخست آن را نشانه‌گذاری، سپس به فارسی روان بازگردانی نمایید.

***

حاکمی دو گوشش ناشنوا شد مداوای طبیبان هم اثری نکرد حاکم از این پیشامد که باعث شد او دیگر صدای هیچ مظلومی را نشنود بسیار ناراحت بود و نمی‌دانست چه کند روزی شخص دانایی نزدش رفت و با اشاره و به کمک نوشتن به او گفت ای سلطان چرا غمگین هستید شما یکی از حس‌های خود را از دست داده‌اید خداوند به شما حواس دیگر هم داده است که سالم‌اند آن‌ها را به کار بگیرید حاکم کمی اندیشید و گفت راست می‌گویی من از نعمت‌های دیگر غافل بوده‌ام